

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نگارش: فریده ثابتی

۳۰ اگست ۲۰۱۱

اعتصاب کارگران شرکت ورايزن در امریکا

اعتصاب کارگران شرکت ارتباطات Verizon بزرگترین اعتصاب در ایالات متحده، در چهار سال اخیر

طبقه کارگر، یا "طبقه متوسط" !!

۴۵۰۰۰ کارگر امریکائی شرکت Verizon، وابسته به داو جونز صنعتی، از یکشنبه ۷ اگست، یعنی بیش از دو هفته است که در اعتصاب به سر می برند.

بزرگترین اعتصاب در بخش صنعتی ایالات متحده در چهار سال اخیر و بعد از شروع بحران اقتصادی. این شرکت ۸۰۰ هزار نفر از کارگران، بازنشستگان و خانواده آنها را زیر پوشش دارد. سود این شرکت در ۴ سال گذشته بیش از ۱۹ میلیارد دلار بوده است که اگر به جمعیت جهان تقسیم شود، سرانه هر نفر، حدود ۲ پوند انگلیس می شود. این شرکت در زمینه تلفون، اینترنت، تلویزیون کابلی در ایالات متحده از پنسیلوانیا تا ویرجینیا سرویس می دهد. همه این سود ۱۹ میلیارد دلاری، توسط نیروی کار این شرکت ایجاد شده است. اما نه به حساب کارگران، بلکه به حساب بانکی هیأت مدیره و سهامداران می رود. اما شرکت این ۱۹ میلیارد را، کافی نمی داند، و می گوید کسب و کار مخابراتی، به سرعت مشتریان خود را از دست می دهد. در نتیجه، شرکت قصد این را دارد، که به دستمزدها و بیمه بازنشستگی و بیماری و غیره کارگران، دستبرد بزند، و آن ها را کاهش دهد. آن ها می گویند؛ مرخصی بیماری و غیره سالانه، یک میلیارد ضرر به شرکت، وارد می آورد. به همین سبب، می خواهد برای بیمار شدن و استفاده از مرخصی، حد و مرز تعیین کند؛ یعنی کارگران، در حال بیماری هم، به سرکار بیایند. و هم چنین بیمه بهداشتی، مرگ و معلولیت و غیره را نیز مورد تحدید قرار دهد. هم چنین، شرکت متهم شده است که در سال ۲۰۱۰ مبلغ ۹۶۲ میلیون دلار، از مزایای بازنشستگی، به نفع خود کاسته است. در این کوشش، آن ها از کمک های رسانه ها، سیستم دادگاهی، اف.بی.ای. FBI، و اتحادیه های ارتباطات کارگری امریکا CWA، و برادری بین المللی کارگران الکتریکی IBEW بهره مند می شود. جانسون سخنگوی CWA، در پاسخ ایمیلی به سؤالی اعلام می کند که، اتحادیه از اعمال غیرقانونی حمایت نمی کند. و تأکید می کند؛ از هیچ نوع عمل غیرقانونی، و به اعضایش دستور می دهد که مراقبت کنند، رفتارشان و همه فعالیت اعتصابی شان، مطابق با قانون کار، باشد.

با این نظر که، اعتصاب تحریک کننده است، دولت به شدت به نفع کمپانی وارد مداخله می شود، و با تحمیل احکام ضد اعتصاب، برای فراهم کردن ابزار شکست اعتصاب، می کوشد. اف.بی.آی از آن به عنوان خرابکاری "تروریستی" در شبکه وریزون نام می برد، و تا حال از بیش از ۲۰۰ مورد خرابکاری نام می برد. از اختلال در سیستم کمپیوتری دو بیمارستان به عنوان خرابکاری کارگران نام می برند. و مسأله را به "امنیت ملی" ربط می دهد. اعتصابی را که در لحظات خود، نوآوری های کارگران را در دفاع از حقوق آنها، به ظهور آورده است، فوراً با تهمت خرابکاری مخدوش می کنند، تا نتواند هواداری توده های مردم را، برانگیزد. آن ها از تاکتیک ایجاد ترس، برای پیشبرد مقاصد خود استفاده می کنند. یکی از کارکنان ورزون می گوید "آن ها، به رسانه های عمومی جهت می دهند، که در گزارشات خود از اعتصاب، مسأله خرابکاری را، عمده کنند. آن ها تبلیغات منفی زیادی، در باره ما، سازمان می دهند؛ تا دیدی نا زیبا و بد نسبت به ما، ایجاد کنند، ما نیاز داریم که همه باهم باشیم."

کمپنی سعی می کند اعتصاب را محدود کند، به همین سبب برای اعتصاب، ضرب الاجل تعیین می کند. که به هرحال تا ۳۱ اگست باید اعتصاب پایان یابد و کارگران به سر کار خود برگردند، یا همه اعتصاب کنندگان، از پوشش بیمه بهداشتی، تعلیق می شوند. کمپانی خطاب به دو اتحادیه مذکور که اعضایش در اعتصاب شرکت دارند پیام می دهد، که ما مایلیم اتحادیه با یک نظر باز، به پشت میز مذاکره بیاید، تا باهم بحث کنیم، و راه هائی را بیابیم که شرکت های ارتباطاتی را، بیشتر رقابت پذیر و موفق تر و ساعات کار را انطباق پذیر ترسازد، ما به این کار تمایل داریم و اتحادیه نیز به این کار نیاز دارد. بوروکرات های اتحادیه در این میان کمک خود را به کمپانی ارائه می کنند و اعلام می دارند که آن ها، پیشنهادات کمپانی را قبول خواهند کرد، اگر "معامله منصفانه" باشد، و امتیازات عمده داده شود. نباید جای تعجب باشد، اگر از معامله صحبت شود؛ زیرا کار اتحادیه کار چانه زنی است، و چانه زنی در معامله، رخ می دهد. اما چه کالانی مورد معامله قرار دارد لازم به نام بردن نیست. کالا کالا است و به قول مارکس "تجارت، تجارت است آقایان". رئیس اتحادیه ضمن اذغان به سود ۱۰ بیلیون دلاری، شرکت در سال ۲۰۱۰، می گوید مدیریت می کوشد سود ها را هرچه بیش و بیش تر، حتی بالاتر ببرد، تا زندگی "طبقه متوسط" را از بین ببرد، این یک سیاست خالص ناشی از حرص و طمع است. به همین سادگی اتحادیه مزبور، کارگران را طبقه متوسط می نامد و سود سرمایه داری را ناشی از حرص و طمع. می داند نه این که مناسبات سرمایه داری بر استثمار کارگران و بر رابطه خرید و فروش نیروی کار به عنوان تأمین کننده ارزش اضافی یا همان سود، استوار است.

هر گونه کوتاه آمدن در مقابل سرمایه، و پا گذاشتن برحق و حقوق کارگران، یعنی گذشتن از حاصل کار و رنج، عرق و خون آن ها، غیر عادلانه و غیر منصفانه است. آیا این که شانس برای پیروزی وجود داشته باشد، بسته به این است که کارگران ورزون به جای، تسلیم شدن به کدخدا منشی های اتحادیه، و پادرمیانی اش برای پایان دادن به اعتصاب، شورا های کارگری محل کار خود را تشکیل دهند و شبکه شوراها را از پنسیلوانیا تا ویرجینیا برای شرکت موثر و عملی همه کارگران شرکت، در آن فراهم سازند. برای جلب حمایت هم طبقه ئی های خود، در سایر شاخه های کاری، با آن ها تماس بگیرند، از همه امکانات برای خنثی کردن تبلیغات شرکت، حکومت و خوش خدمتی های اتحادیه استفاده کنند. به جای کنترل کارگران توسط اتحادیه، و تبدیل آن ها به انسان های منفعل گوش به فرمان، همدیگر را برای عمل مستقل و مستقیم، و کنترل کارگری، فرا بخوانند.

سیمای سوسیالیسم